به زودی لژیونر می‌شوم و در کنار جواد کریمی در تیم ماسیک بلژیک به میدان می‌آیم

اسفندیار: از کنکوری بسیار سخت عبور کردم

ظهور به یکباره و توفان‌وار امیرحسین اسفندیار در ترکیب تیم ملی والیبال بزرگسالان ایران و طی مسابقات مهم این تیم مانند حضور مشابه پوریا یلی و محمدرضا حضرت‌پور و تا حدی هم علی شفیعی از عجایب سال گذشته ورزش کشورمان بود. درست است که در گذشته دورتر هم نفرات متعددی از آرایش تیم ملی جوانان به تیم بزرگسالان وارد شده و در آنجا هم درخشیده بودند اما این روند طی سال‌ها به آرامی و در پروسه‌ای زمانی به طول مدت ۶ تا ۸ سال شکل می‌گرفت حال آنکه اسفندیار و معدود والیبالیست‌های نظیر او بدون اینکه نیازی به حضور طولانی مدت در تیم ملی جوانان داشته باشند، به دعوت ایگور کولاکوویچ سرمربی وقت تیم بزرگسالان از تیم ملی نوجوانان مستقیماً راهی جمع بزرگسالان شدند و به سرعت هم درخشیدند و در پیروزی‌های این تیم در پیکارهای قهرمانی آسیا، ورلدکاپ و در نهایت انتخابی المپیک توکیو درخشیدند و مجوز شرکت در المپیک را گرفتند. اسفندیار که ۲۲ ساله و مجرد و بچه آمل و فرزند چهارم (و آخر) خانواده‌اش به حساب می‌آید و از سال‌های حضورش در مسابقه‌های والیبال قهرمانی نوجوانان و جوانان جهان و آسیا طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ عناوین گرانقدری مثل عنوان اولی جوانان دنیا در سال ۲۰۱۸ را به یادگار دارد و در هر دو میدان مهم والیبال قهرمانی نوجوانان و جوانان جهان عنوان «MVP» (با ارزش‌ترین بازیکن) را کسب کرده (و در جوار آن بهترین سرعتی زن و قدرتی زن هم شناخته شد)، معتقد است ظهور سریع و ناگهانی و موفق‌اش در تیم ملی بزرگسالان و در سطح رقابت‌هایی معتبر همچون جام جهانی و قهرمانی آسیا محصول سختکوشی خود او و کمک یاران مسن‌تر وی بوده که تلاش کردند به او روحیه‌ای را برای مبارزه‌طلبی در این سطح بدهند که معمولاً در جوانانی از این دست کمتر یافت می‌شود. امیرحسین به واقع در تمامی طول گفت‌وگوی خود با ما چندبار تصریح کرد که ممنون و مدیون نظر مساعد کولاکوویچ و همچنین نظر مثبت فدراسیون والیبال است که این مربی را تشویق کرد از آزمودن وسیع جوانان ابایی نداشته باشد و از آنها هم در کنار مسن‌ترها و نامدارترین اعضای تیم ملی بهره گیرد و اسفندیار از همین فرصت ناب طلایی‌ترین بهره‌ها را برگرفت.

مصاحبه
وصال روحانی

آقای اسفندیار، این همه درخشش سریع و غیرمنتظره و بدون مقدمه در سطح والیبال بزرگسالان که در آن تجربه‌ای هم نداشتید، چگونه حاصل آمد؟

من هرچه دارم و هر توفیقی در ۷، ۸ سال و بخصوص دو سال اخیر کسب کرده‌ام، مرهون و محصول لطف بیکران خداوند و کمک یارانم بوده است.

برای تورنمنت‌های بزرگ ملی سال ۱۳۹۸ به من و چند نفر دیگر از اعضای سابق تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان والیبال ایران فرصت داده شد که در پیکارهای عمده بزرگسالان هم شرکت کنیم و ما هم از این موقعیت نهایت بهره را گرفتیم.

مسئولان و مربیان تأکید داشتند که اگر هم در این رقابت‌ها ببازیم و سیاست جوان‌گرایی‌مان جواب ندهد ایرادی ندارد و ضرری نکرده‌ایم زیرا عملاً آینده والیبال ایران را ساخته‌ایم و همین مسأله استرس را از ما دور کرد.

واقعاً نمی‌شد باور کرد که بدون هیچ حضور قبلی در تیم ملی والیبال بزرگسالان این گونه حرفه‌ای و موفق عمل کنید؟

بزرگترهای تیم ملی مثل سعید معروف و سید محمد موسوی و بقیه مانند فیاضی، غفور و عبادی‌پور و به‌واقع همه و همه نیز دست یاری به ما دادند و از هرجهت به من و یلی و شفیعی راه‌های درخشش در این سطح را آموختند، دست‌شان واقعاً درد نکند.

اما قوت کارتان و ریشه مستحکم حرکات شما نشان می‌دهد که از اصل و پایه و از کودکی آموزش‌های خوبی داشته‌اید. لابد در یک خانواده والیبال دوست به دنیا آمده و رشد کرده‌اید؟

همینطور است. هم پدرم حسین اسفندیار و هم برادر بزرگم به طور جدی و طولانی به این ورزش پرداخته بودند و چراغ راه من شدند و این بخصوص در مورد پدرم صدق می‌کند.

درست است که پدرم هیچ‌گاه در سطح کشوری به جایی نرسید اما در سطح استانی رشد خوبی داشت و «تیغی باز» هم بود.

یادم می‌آید که به رغم کودک بودن همراه پدرم به محل انجام مسابقات والیبال می‌رفتم و با دیدن این بازی‌ها درس‌های زیادی می‌گرفتم. البته شروع کار من و اولین رشته‌ای که به آن پرداختم، ژیمناستیک بود ولی پس از دو سال حضور در این رشته به صحنه والیبال آمدم و ماندگار شدم. برادر بزرگم هم مدتی به والیبال پرداخت اما گرایش اصلی او به ژیمناستیک بود و به فوتبال هم رفت و حتی عضو تیم مطرح صنعت نفت آبادان هم شد ولی در نهایت ورزش از نوع جدی آن را کنار گذاشت.

به جز پدرت مربی اولیه و تأثیرگذار بر روی تو چه کسی بود؟

مربیان زیادی با من کار کردند و یکی از اولین‌ها و بهترین‌ها آقای خراسانی بود که در همان آمل فعالیت می‌کرد. بعداً در سطح ملی و در رده‌های سنی پایه با آقایان محمد وکیلی و بهروز عطایی کار کردم که تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان در دست‌شان بود و شاگردان خوبی را پرورانده بودند و من نیز از این موهبت برخوردار شدم. اولین جایی که به چشم خوردم، تیم منتخب دانش‌آموزی ایران بود و یادم می‌آید که اعزام به مسابقه‌های جهانی این رده در دستور کار ما قرار داشت و یک روز آقای وکیلی آمد و بعد از دیدن تمرینات ما اسم پنج نفر شامل من و جواد کریمی را نوشت و از ما خواست به تمرینات تیم ملی نوجوانان بیاییم.

شانس مهم‌ترم این بود که از اواخر سال ۱۳۹۷ و اوایل ۱۳۹۸ یک نوع پوست‌اندازی در تیم ملی بزرگسالان در دستور کار قرار گرفت و مقرر شد از جوان‌ترها هم در دیدارهای این تیم استفاده شود

اینها شروع راهی بود که در سال ۱۳۹۸ منجر به اولین مرتبه فراخوانی من به تیم ملی بزرگسالان ایران شد.

کدام یک از این مربیان بیش از بقیه بر روی شما تأثیر گذاشت؟

ترجیح می‌دهم اسم فرد خاصی را نیاورم زیرا بدون تعارف بگویم که تعداد اینگونه مربیان در زندگی من و نسل من زیاد بوده است و در همین ارتباط باید مجدداً از بهروز عطایی هم یاد کنم. او هم در تیم کاله و در جریان جوان‌گرایی در این باشگاه به من بهای زیادی داد و هم در تیم ملی جوانان ایران که کناروی به عنوان قهرمانی جهان رسیدیم. این آموزش‌های آکادمیک و پله به پله سبب شد وقتی به تیم ملی بزرگسالان رسیدم یک سنگ بنای اولیه را داشته و آماده پله‌های بعدی پیشرفت و ادامه رشدم باشم.

اما اگر ایگور کولاکوویچ سرمربی تیم ملی بزرگسالان نبود و کارها در دست یک مربی ایرانی بود، شاید هرگز دعوت نمی‌شدی و به این سرعت به جایگاه فعلی‌ات نمی‌رسیدی؟

شانس مهم‌ترم این بود که از اواخر سال ۱۳۹۷ و اوایل ۱۳۹۸ یک نوع پوست‌اندازی در تیم ملی بزرگسالان در دستور کار قرار گرفت و مقرر شد از جوان‌ترها هم در دیدارهای این تیم استفاده شود و طبعاً اگر فرد دیگری هم به جای کولاکوویچ تیم ملی را هدایت می‌کرد، موظف به انجام این راهبرد بود. تغییرات هم در سطحی نبود که ناگهان ۱۴ نفر اصلی‌مان بروند و ۱۴ تا جوان بیایند بلکه ۴، ۵ جوان امتحان پس داده در تیم‌های ملی پایه شامل من و شریفی و صابر کاظمی و قبل از ما توخته فراخوان شدیم و کولاکوویچ به تدریج ولی با وسعت در لیگ ملت‌ها، سپس دو مرحله انتخابی المپیک و همچنین ورلدکاپ از ما استفاده کرد.

این سیاست محمدرضا داورزنی رئیس فدراسیون والیبال بود که در عین حضور در این مسابقات و تلاش برای کسب بهترین نتایج، به آینده‌سازی بپردازیم و جوانان خوبی را هم پرورش بدهیم.

این را هم بگویم که مصدوم و یا دور از دسترس بودن چند بازیکن مهم و اصلی تیم ملی بزرگسالان در آن ماه‌ها مربیان این تیم را بیش از پیش به رویکرد به جوان‌ها سوق داد.

لیگ برتر والیبال در فصل ۱۳۹۷ به سبب مشکلات مرتبط با کرونا به تعطیلی کشیده شد ولی آیا به بیلان‌های موفقی رسیده بود و فصل قابل قبولی را سپری کرد؟

این را به کارشناسان امر بسپریم اما از نظر من خصلت مثبت و مهم لیگ ۹۸ این بود که در هر تیم در کنار ۷، ۸ مهره اصلی و میانسال‌شان حداقل دو جوان شایق و لایق هم مشاهده می‌شدند که به تلاش مشغول بودند و این به معنای تقویت روند جوان‌گرایی بود که در تیم ملی نیز در دستور کار قرار داشت.

کاله تیم من نیز بر اساس سیاست‌های بهروز عطایی سرمربی‌اش به جوان‌گرایی گسترده روی آورد و با ترکیبی پر انرژی و تقریباً کم سن و سال به میدان می‌رفت و با این وجود در مسابقات متعددی نتیجه گرفت و کم نیاورد.

من همانطور که پیش‌تر هم گفتم، تجربه کار با عطایی در تیم ملی جوانان را هم دارم و باید بگویم واقعاً با شهامت کار می‌کند و از رویکرد به جوان‌ها ابایی ندارد و همین مسأله سبب شده هر سال در تیم‌های تحت هدایت وی حداقل ۳، ۲ مهره جوان چهره نشان بدهند.

درست است که بازیکنان تیم ملی بخصوص جوان‌ترها باید از هر جهت مطیع و تابع تصمیم‌های متخذه باشند اما آیا به عنوان یکی از اعضای تیم ملی والیبال طی سال گذشته به این باور نرسیده‌ای که شاید بتوان با یک سرمربی ایرانی هم به نتایج لازم رسید و عصر سرمربیگری خارجی‌ها در تیم ملی والیبال ما موقتاً به پایان رسیده است.

ما بازیکنان تیم ملی سال پیش تحت فشار روحی فراوانی قرار داشتیم و از کنکوری بسیار سخت عبور کردیم و دورانی را گذراندیم که خیلی‌ها از بیرون دشواری‌های آن را حس نمی‌کردند

نمی‌دانم و بهتر است تصمیم‌گیری در این امور را به فدراسیون و افراد آگاه‌تر سپرد. این مسأله‌ای است که روی آن باید اجماع کارشناسان صورت گیرد و هر چیزی که از درون این بررسی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بیرون آید، لازم‌الاتباع است.

قدر مسلم اینکه ما بازیکنان تیم ملی سال پیش تحت فشار روحی فراوانی قرار داشتیم و از کنکوری بسیار سخت عبور کردیم و دورانی را گذراندیم که خیلی‌ها از بیرون دشواری‌های آن را حس نمی‌کردند و هم اینک